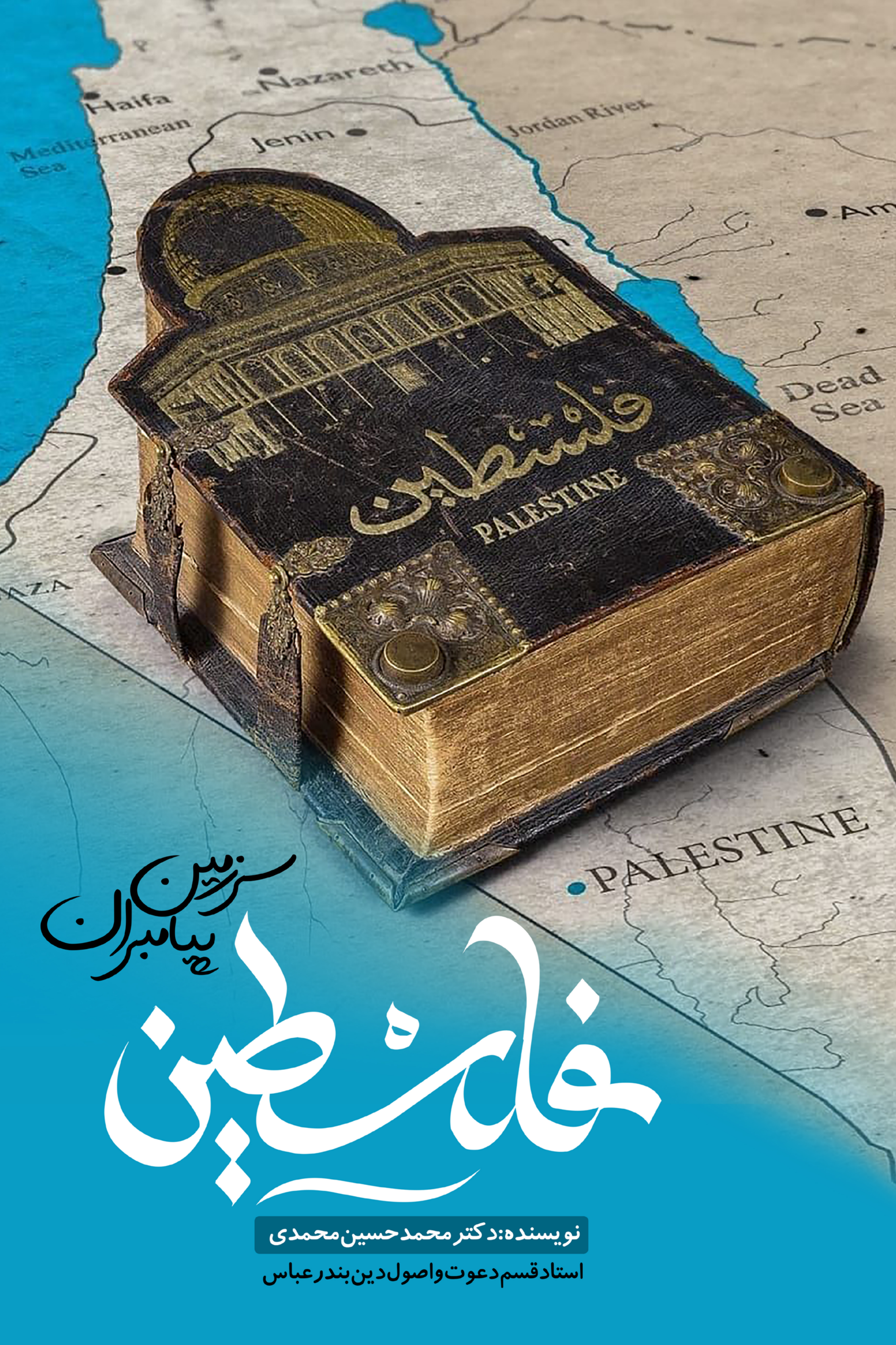


فلسطین

سرزمین پیامبران

نویسنده: دکتر محمد حسین محمدی

استاد قسم دعوت واصول دین بندر عباس


وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
نهاد اجتماعی شورای عالی مدارس اهل سنت و جماعت جنوب ایران
اداره دعوت جنوب

بسم الله الرحمن الرحیم



سُبْحَانَ الَّذِی أَسْرَی بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الأَقْصَا
الَّذِی بَارَکْنَا حَوْلَهُ لِنُرِیَهُ مِنْ آیَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ

سوره اسراء_آیه۱ surah al-asra,verse1

پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را شبانه از
مسجدالحرام به **مسجدالاقصی** که گرداگردش
را پربرکت ساخته‌ایم برد، تا برخی از آیات خود
را به او نشان دهیم چرا که او شنوا و بیناست.

فهـــرست مطالب

مقدمه.. ۲
فلسطین از کنعانیان تا فتح اسلامی.. ۴
فلسطین از فتح فاروق تا فتح صلاح الدین.. ۶
امیر المومنین عمر بن خطاب -رضی الله عنه- نخستین فاتح قدس.......................... ۷
خلاصه صلح نامه امیر المومنین عمر بن خطاب -رضی الله عنه- با اهل ایلیا................. ۸
فلسطین از عصر استعمار تا اعلام موجودیت دولت صهیونیست ها.................... ۱۷
فلسطین؛ پس از اعلام موجودیت دولت صهیونیست ها.............................. ۲۷
قضیه ی آوارگان فلسطینی... ۳۱
نتیجه ی بحث.. ۳۳
مسلمانان و پیروزی نهائی در بیت المقدس.. ۳۴
آلبوم تصاویر.. ۳۸
فهرست مراجع و مصادر.. ۴۹



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلاة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین سیدنا ونبینا محمد وآله وصحابته أجمعین **اما بعد:**

سرزمین فلسطین یکی از پر ماجراترین سرزمین‌های جهان است. و برای مسلمانان از آنجایی که قبله‌ی نخست آن‌ها و محل عروج پیامبرشان به آسمان‌ها بوده اهمیت ویژه‌ای دارد، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

«پاک ومنزه است کسی که بنده‌اش را شبی از مسجدالحرام به مسجدالأقصی - که گرداگردش را برکت داده‌ایم - برد؛ تا برخی از آیات خود را به او بنمایانیم، بی گمان اوست که شنوای بیناست»

در تاریخ اسلامی از عهد رسول الله ﷺ نسبت به سرزمین مقدس فلسطین علاقه‌ی شدیدی نشان داده شده و رسول الله ﷺ و خلفاء راشدین -رضی الله عنهم- برای فتح آن نیروها گسیل داشته‌اند و دوبار در تاریخ اسلامی (در زمان عمربن خطاب وصلاح‌الدین ایوبی) شهر قدس بدون خون ریزی فتح شده ودوران طلائی خود را گذرانده است. این شهر توسط مسلمانان از وجود بیگانگان پاک سازی شده و صلیبی‌هایی که در نبردهای خود شکست خوردند جای خود را به صهیونیست‌ها داده‌اند. جالب اینجاست که صهیونیست ها مدعی هستند که یهودیان نسبت به سرزمین فلسطین حق تاریخی دارند واین حق از ارتباط قوم یهود با حکومت باستانی اسرائیل در فلسطین ناشی می شود. آنها درباره فلسطین می گویند: فلسطین کشوری است که نیاکان و پدران عزیزمان در آن ساکن بودند، چنانکه در بیانیه بیلو نیز به این امر اشاره شده است.

لذا یهودیــان خود را وارث فلسطین دانسته و تاریخ سیاسی این سرزمین را با حکومت پادشاهی اسرائیل در سال های قبل از میلاد برابر می داننـد و به نظر آن ها عبرانی ها جزو ساکنان اولیه فلسطین بوده‌اند. اما واقعیت تاریخی نشان می دهد که ادعای رهبران و محققان صهیونیست بی اساس بوده و هیچ گونه مستند تاریخی در تأیید این ادعا وجود ندارد. و عبرانی ها نخستین ساکنان این سرزمین نبوده بلکه اسلاف و پیشینیان اعراب کنونی جزو اولین ساکنان فلسطین به شمار می آیند. به گفته مورّخیــن ومحققینی نظیــر (فریدمن، ماکسیم رودنسن و فرانسیس امیلی و غیره) حدود دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد، قبایل عرب به فلسطین فعلـی مهاجــرت کردنـد که بعدها به اسم کنعـانی ها معــروف شدند.

در ماه رمضان سال ۱۴۲۱ هجری قمری برابر با آذر ماه ۱۳۷۹ هجری خورشیدی بخاطر آشنایی هر چه بیشتر جوانان مسلمان با سرزمین مقدّس فلسطین و به مناسبت روز جهانی قدس با توفیق خداوند تصمیم گرفتم تا جزوه ای تهیه نمایم و حوادث و اتفّاقات مهم تاریخی که در این سرزمین به وقوع پیوسته را بطور خیلی مختصر به رشته تحریر در آورم و ادّعای یهود را مورد بررسی قرار دهم تا بدانیم که آنها هیچ گونه حقّ شرعی یا تاریخی یا قومی در این سرزمین ندارند، بلکه فلسطین سرزمین پیامبران الهی است، و نهایتا باید بدست امّت رسول الله ﷺ که وارث پیامبران الهی هستند بیفتد.

با توجه به رویدادهای اخیر فلسطیـــن تصمیــــم گرفتم اصلاحاتی در آن قید نموده و بخش‌هایی به آن بیفزایم.

امید است خداوند این عمل ناچیز را بدرگاه احدیّت خود بپذیرد و ما را مورد لطف و رحمت خود قرار داده، قلـم عفــو بر گناهــان ما بکشــد و چشــم ما را به آزادی و فتــح بیت المقدّس روشن نماید ..

انّه ولی ذلک والقادر علیه

بلغان- شوال ۱۴۴۲ هـ ق

ابو احمد محمدحسین محمدی



فلسطین از کنعانیان تا فتح اسلامی

سال ۳۵۰۰ قبل از میلاد: کنعانی‌ها وارد سرزمین فلسطین شدند و در دو قسمت شمالی و جنوبی سکنی گزیدند؛ کنعانی‌های ساکن شمال به فینقی‌ها و کنعانی‌های ساکن جنوب به کنعانی‌ها معروف گشتند. و از همان زمان، شروع به ساختن شهرهای: اریحا، اسدود، بئر السّبع و نابلس و الخلیل کردند. یکی از بزرگ‌ترین قبائل کنعانی‌ها به نام یبوسی‌ها شهر مقدّس قدس را ساخت و نام آن را اور سالم (شهر سالم) گذاشت.

سال ۲۰۰۰ ق.م: سیدنا ابراهیم علیه‌السلام از شهر اور در عراق با گذشتن از رود فرات به سرزمین شام قدم نهاد و از آنجا وارد سرزمین کنعانیان شد و بعد از آن با همسرش ساره به مصر مهاجرت کرد و در آنجا با هاجر که از طرف پادشاه مصر به او هدیه داده شده بود ازدواج نمود و از این ازدواج مبارک سیدنا اسماعیل جدّ بزرگ رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بدنیا آمد که با پدرش ابراهیم علیه‌السلام به فرمان خدا به مکّه آمده خانه کعبه را از نو بنا نهادند. سیدنا ابراهیم علیه‌السلام فرزندش اسماعیل علیه‌السلام را در مکّه رها کرده به مصر بازگشت و با فرزند دیگرش (اسحاق علیه‌السلام) به سرزمین کنعان مراجعت کرده و در آن جا مسجدی را بنا نهادند. سیدنا اسحاق علیه‌السلام صاحب فرزندی بنام یعقوب شد که به اسرائیل معروف است و اسباط از فرزندان و نوادگان اسرائیل (یعقوب) بودند که بعد از قحط سالی، سرزمین کنعان را بسوی مصر ترک کرده و همراه با برادرشان سیدنا یوسف علیه‌السلام که در آن زمان وزارت دارایی مصر را به عهد داشت در آنجا به زندگی خود ادامه دادند.

بنی اسرائیل در مصر زیاد شدند و بر اثر ظلم و ستم و اذیت و آزارهای زیاد فرعون، خداوند آنها را انجات داد و همراه با سیدنا موسی علیه‌السلام از مصر خارج شدند و قصد ورود به سرزمین مقدّس فلسطین را کردند، ولی طبق عادت همیشگی پیمان را شکستند و خداوند آن ها را به خاطر عهد شکنی‌شان چهل سال آواره کرد و در صحـــرای سینا سرگردان ماندند.

سال ۱۱۸۹ق.م: بعد از پایان یافتن ۴۰ سال آوارگی و سرگردانی در صحرای سیناء بنی اسرائیل توانستند با فرماندهی یوشع بن نون وارد سرزمین کنعان شوند و قسمت‌هایی از آن را تحت تصرف خود در آورند.

سال ۱۰۲۵ ق.م: عبرانی‌ها بعد از اینکه به صورت متفرق و قبیله‌ای زندگی می کردند متّحد شده و برای خود دولت تشکیل دادند که اوّلین پادشاه آن ها طالوت بود.

سال ۱۰۰۰-۹۶۰ق.م: داود علیه‌السلام در جنگی که با فلسطینیها داشت جالوت پادشاه آن ها را کشت و بر آن ها چیره شد و بیت المقدس را پایتخت خود قرار داد.

سال ۹۶۰-۹۳۰ق.م: سلیمان علیه‌السلام بعد از پدرش داود علیه‌السلام حاکمیّت بیت المقدّس را بر عهده گرفت. دعوت توحید و یکتا پرستی در زمان ایشان تا سرحدّات یمن پیش رفت ولی بعد از وفات سلیمان علیه‌السلام در بین عبرانی ها اختلاف افتاد و به دو دولت شمال و جنوب یعنی (اسرائیل و یهودیّه) تقسیم شدند.

سال ۷۲۲ ق.م: حکومت اسرائیل شمالی در جریان حمله آشوری‌ها سقوط کرده و از بین رفت.

سال ۵۸۷ق.م: حکومت یهودیّه جنوبی در اثر حمله کلدانی‌ها به فرماندهی بخت النصر سقوط کرد و کاملا از بین رفت و یهودیّان به اسارت در آمده و پراکنده شدند.

جورج فریدمن چنین می گوید: «دوازده قبیله بنی اسرائیل به قفقاز، ارمنستان و بویژه بابل تبعید شدند و بدین ترتیب مردم یهود با تمامیّت وجود به همراه نژاد، جامعه‌ی ملی و مذهبی خود برای همیشه از بین رفتند.»

سال ۵۳۸ق.م: کورش کبیر بر سرزمین شام تسلّط یافت و از آن جایی که همسرش یهودی بود و یهود نیز در اشغال شام نقش مهمّی داشتند به یهودیان اجازه بازگشت به سرزمین کنعان را داد.

سال ۳۳۲ق.م: در جریان حمله اسکندر مقدونی به سرزمین شام دولت



هخامنشیـــان شکست خورد و سرزمیـــن شام به اشغـــال مقدونـی ها در آمد.

سال ۶۳ق.م: رومی ها به شام حمله کردند و آنجا را به اشغال خود در آوردند.

میلاد عیسی علیه‌السلام : هنگامی که بیت المقـدس در اشغـال رومی ها بود خداونـد عیسی علیه‌السلام را به پیامبری مبعوث گردانید و بعد از مدتی پادشاه روم دین مسیحیّت را پذیرفت و آن را دین رسمی روم اعلام کرد اما دیری نپائیـد که آن دیـن الهی از وحدانیّت به تثلیث (سه گانه پرستی) منحرف شد.

سال ۱۳۵ بعد از میلاد: یهودی ها شورش کردند، هادریان امپراتور روم سپاهی بزرگ آماده کرده و به آن ها حمله ور شد و آن ها را سرکوب کرد و همه‌ی یهودیان را از سرزمیـــن فلسطیـــن بیرون راند و از همـــان زمـــان تا ســال ۶۳۶ میلادی رابطه‌ی یهودیان با سرزمین مقدّس بطور کلی قطع شد و هیچ یهودی حقّ ورود به آنجا را نداشت تا زمانیکه اسلام آنجا را فتح کرد.

فلسطین از فتح فاروق تا فتح صلاح الدین

بیت المقدّس سرزمین پیامبران بوده و برای ما مسلمانان از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است. خصوصا بعد از اینکه این سرزمین مقدّس با سفر تاریخی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله (اسراء) پیوند مستقیم با مکّه پیدا کرده است. سرزمینی که نخستین قبله مسلمانان بود، و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از سفر معراج و فرض شدن نماز در آن سفر تا شانزده ماه بعد از هجرت بسوی بیت المقدس نماز می‌خواند، و بعد از آن قبله به کعبه تغییر پیدا کرد.

در سال دهم بعد از بعثت، حادثه اسراء و معراج اتفاق افتاد و رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از مکّه به بیت المقدّس رفت و در آن سرزمین که خاستگاه پیامبران الهی است نماز خواند، ایشان از آنجا به معراج رفت و دوباره به مکّه باز گشت، این خود نخستین فتح معنـــوی اسلامی بیت المقـــدّس و سرزمیـــن پیامبـــران به حساب می آید.



رسول الله ﷺ در زمان حیات مبارکشـان برای فتح بیت المقـدّس لشکرهایی را ارسال کردند:
در سال ۵ هجری جنگ دومه الجندل، در سال ۷ هجری جنگ موته، در سال ۹ هجری جنگ تبوک رخ داد، پیامبر ﷺ در واپسین روزهای زندگی مبارکشان دستور داد سپاه اسلام به فرماندهی اُسامه بن زید روانه‌ی سرزمین روم شود، اما دیری نپائید که ایشان به دیدار رفیق اعلی شتافت. وابوبکر صدیق -رضی الله عنه- پس از این که همه‌ی مهاجرین و انصار -رضی الله عنهم- به عنوان اوّلین خلیفه رسول الله ﷺ با او بیعت کردند سپاه اُسامه را راهی جهاد کرد، و سپاه اسامه با پیروزی به مدینـه بازگشت. در دوران خلافت ابوبکـــر و عمـــر -رضی الله عنهما- فرماندهانی مانند ابوعبیده عامر بن جرّاح، خالد بن ولید، یزید بن ابی سفیان، شرحبیل بن حسنه، وعمرو بن العاص -رضی الله عنهم- با پیروزی‌هایی چشم گیر در نبردهای اجنادین، فحل، ویرموک توانستند بخش بزرگی از شام را به زیر پرچم اسلام در آورند.

امیرالمومنین عمربن خطاب (رضی الله عنه) نخستین فاتح قدس

در سال ۱۵ هجری برابر با ۶۳۵ میلادی زمانی که ابو عبیده عامر بن جرّاح و سیف الله خالد بن ولید -رضی الله عنه- در شام با لشکر هراکلیوس دست و پنجه نرم می کردند و در حال جهاد بودند، عمرو بن عاص -رضی الله عنه- با همکاری شرحبیل -رضی الله عنه- و سایر سرداران کاردیده‌اش بر اساس نقشه‌ای که در اجنادیـن کشیده بودنـد به سـوی ایلیـاء (بیت المقـدّس) حرکت کرده و آن را به محاصره‌ی خود در آوردند، اما از آنجایی که این شهر که مرکز دین مسیحیّت بود از استحکامات زیادی برخوردار بود، و ساکنانش که از ذخایر و آذوقه کافی برخوردار بودند توانستند چندین ماه مقاومت کنند. سپاه اسلام که با مشکل روبرو شده بود طی نامه‌ای به خلیفه مسلمانان امیر المؤمنین عمر بن خطّاب -رضی الله عنه-



از او یاری خواست. امیر المؤمنین عمر بن خطّاب -رضی الله عنه- طبق عادتش به‌هنگام خروج از مدینه، علی بن ابی طالب -رضی الله عنه- را به جانشینی خود منصوب کرد و خود در راس سپاهی بزرگ از مدینه حرکت کرده و در شهر جابیه مستقر شدند.

امیر المومنین عمر بن خطّاب -رضی الله عنه-، سرداران ابو عبیده و خالد -رضی الله عنهما- که شام را فتح کرده بودند به حضور طلبید تا با آنها و سایر فرماندهان نظامی درباره فتح این شهر مقدّس مشورت نموده و بهترین راه را برای آن بیابد.

ارطبون فرمانده لشکر کفر و اُسقُف اعظم شهر قدس از آمدن خلیفه در رأس سپاه کمکی و اجتماع فرماندهان بزرگش مطّلع شده و به وحشت افتادند. و پس از اندیشه با خود، هرگونه مقاومت را بی‌فایده دانستند. ارطبون مخفیانه از شهر خارج شد و بسوی مصر گریخت، وسفرنیوس اسقف اعظم تصمیم گرفت از مسلمانان تقاضای صلح کند، لذا با عمرو بن العاص -رضی الله عنه- فرمانده‌ی سپاه مسلمانان وارد مذاکره شد و در پایان، اسقف اعظم قدس نمایندگانی از سوی خود به جابیه فرستاد تا صلح نامه را با عمر بن خطّاب -رضی الله عنه- منعقد کنند.

امیر مؤمنان عمر فاروق -رضی الله عنه- در کمال احترام و تقدیر نمایندگان اسقف را به حضور پذیرفت و صلح نامه‌ای برای اهل ایلیا (قدس) نوشت و قرار شد خود ایشان شخصا کلیدهای قدس را تحویل بگیرد.

خلاصه صلح نامه امیر المومنین عمر بن خطاب (رضی الله عنه) با اهل ایلیا

بسم الله الرحمن الرحیم

«این عهد نامه‌ای است که بنده‌ی خدا عمر امیر المومنین به مردم ایلیاء داده است؛ آنها را امان می‌دهد؛ به خودشان، به مریض و تندرستشان، به اموالشان، به کلیساهایشان و به صلیبهایشان. کسی حق ندارد کلیساهایشان را تخریب کند یا



در آنها سکونت نماید. نه از خود کلیساها و نه از جایگاه آنها کم و کاست نشود، به صلیبها و اموال کلیساها زیان نرسد. مردمان ایلیا نسبت به دینشان مختار و برای برگزاری شعائـر دینشـان آزادند و در پذیرفتن دین اسلام مجبور نخواهند بود، آن‌ها مانند مردم مدائن (پایتخت پادشاهی ساسانی) باید به دولت اسلام جزیه بپردازند. رومیانی که در شهر قدس هستند می‌توانند آزادانه از این شهر خارج شوند و به مملکتشان بروند و تا وقتی که به محلّ امنی نرسیده باشند خودشان و اموالشان در امان خواهند بود ...»

امیر المومنین -رضی الله عنه- پس از گذشت مدّتی که مفادّ عهدنامه به اطّلاع اهل شهر قدس می‌رساند همراه سرداران برجسته‌ی سپاه اسلام (ابوعبیده، خالد بن ولید، عمرو بن العاص، شرحبیل و معاویه -رضی الله عنهم-) و جماعتی از یاران رسول الله ﷺ که از مدینه آمده بودند، در حالیکه پیراهن ساده و سفیدی به تن داشتند از جابیه بسوی ایلیاء (قدس) حرکت کردند. و از آن سو نیز اسقف اعظم در ورودی شهر پیشاپیش اُمَراء، بزرگان و معتمدان شهر در انتظار لحظه‌ی ورود موکب خلیفه‌ی مسلمانان و درهم کوبنده‌ی ارتش امپراتوری‌های (ایران و روم) به صف ایستاده بود. بیشتر آن‌ها با خود می‌پنداشتند تا لحظاتی دیگر در دل این موکب بزرگ سیمای فاتحی را ببینند که تاج طلائی بر سر و لباس جواهر نشان خسروان بر تن، و شمشیر زرین کسری یا هرقل را حمایل خود کرده و بر تختی طلائی سوار بر فیل سفید جنگی نشسته است و تیر اندازان ماهر از وی حمایت می‌کنند. اما هنگامیکه این فاتح بزرگ، این تربیت شده مکتب رسول الله ﷺ در یک پیراهن سفید و ساده و همراه کسانی با لباس ساده و معمولی بر تن داشتند به دروازه بزرگ شهر رسید و در جلو صف استقبال کنندگان از اسب خود پیاده شد و با خوش رویی و در کمال مسرّت و فروتنی خیر مقدم اسقف اعظم قدس را پاسخ داد و متواضعانه از جمعیت انبوه استقبال کننده‌ها تشکّر نمود دیگر هیچ اثری از تصوّرهای خیالی در ذهنشان نماند.



عمر فاروق -رضی الله عنه- با راهنمائی اسقف اعظم، همراه سرداران سپاه اسلام و بزرگان و معتمدان شهر قدس از دروازه‌ی بزرگ شهر وارد شدند. مردم شهر غرق در تعجّب و حیرت بودند؛ چرا که بر خلاف تصورّشان فرمانروای بزرگ مسلمانان که دو امپراتوری بزرگ جهان را در یک زمان به زانو درآورده و اکنون پیروزمندانه به این شهر داخل شده بود را انسانی متواضع و فروتن و با لباسی ساده مشاهده می کردند. فرماندهان بزرگش که سرفرماندهان این دو امپراتوری مقتدر (ایران و روم) را از پای در آورده بودند همه را فروتن و بدون نشان‌های نظامی می دیدند. ساکنان ایلیا با دیدن فرمانروای مسلمانان عمر فاروق و فرماندهان بزرگش -رضی الله عنهم- دریافتند که این انسان‌ها بر خلاف کشورگشایان جهان عده‌ای خودخواه و دنیا پرست نبوده، و بلکه انسان‌هایی ربانی، عدالت‌خواه، عدالت پرور و انسان دوست هستند که نه تمایلی به انتقام گیری از مخالفان و نه چشم طمع به مال مردم دارند، و نه به نوامیس و مقدّسات دیگران تعرض می کنند. امیر مؤمنان عمر فاروق -رضی الله عنه- از شهر قدس بازدید به عمل آورد. از کلیسای قیامت بازدید می کرد که وقت نماز ظهر فرارسید، اسقف اعظم پیشنهاد کرد امیر مؤمنان در کلیسا نماز بخواند اما عمر فاروق -رضی الله عنه- این پیشنهاد را نپذیرفت و در خارج از کلیسا به نماز ایستاد، او به اسقف اعظم قدس چنین گفت: «اگر من امروز در اینجا نماز بخوانم چه بسا مسلمانان در آینده بدین مناسبت تاریخی که خلیفه آن‌ها پس از فتح شهر قدس در این محل نماز خوانده، ادعای مالکیت این کلیسا را کرده و آنرا از دست مسیحیان گرفته و تبدیل به مسجد کنند. و این امر مخالف با پیمان صلح بین طرفین است که گفته شده کلیساها را در امان دانسته است.»


کلیسای قیامت



اسلام برای جهانیان دین رحمت است، و انسان‌ها را در برگزاری مراسم دینی خود آزاد گذاشته و کسی را مجبور به ترک دین و عقیده ی خود نمی کند، این است روح آزاداندیشی اسلام و شاگردان مکتب رسول الله ﷺ. این رفتار در حدّ اعلای عدالت و سطح رفیع انسانیّت کجا و آنچه فاتحان پیشین بر سر ساکنان این شهر در آورند، از قبیل بخت النصر کلدانی پادشاه بابل و غیره که معابدشان را به آتش کشیده و به کلی ویران کردند. و مردم شهر را از دم تیغ شمشیر گذرانده و شهرشان را مبدّل به کشتارگاه کردند کجا؟

حقاً رفتاری که امیرالمومنین عمر فاروق -رضی الله عنه- خلیفه مسلمین با مردم ایلیاء کرد برای آن‌ها یک نوآورد تاریخی بود که بی سابقه و حتّی فراتر از تصورشان بود.

تاریخ‌نگاران اتفاق نظر دارند که عمر فاروق -رضی الله عنه- دستور داد در مکانی که او به نماز ایستاده بود مسجدی بنا کنند. این مسجد هنگام بنا کوچک و بسیار ساده بود.

سال ۶۹۱م: از مهم ترین رویدادهای تاریخی در فلسطین پس از فتح اسلامی توسط عمر فاروق -رضی الله عنه- توسعه‌ی مسجد کوچک و ساده ایشان توسط عبدالملک بن مروان خلیفه‌ی اموی بود، مسجد عمر در دوره زمامداری عبدالملک بن مروان به شیوه معماری زیبایی تجدید بنا شد. این مسجد از آن جاییکه در سمت قبله واقع شده امروزه از آن بعنوان مصلای قِبلی هم یاد می‌شود.



همه مساحت مشخص شده (مستطیل آبی رنگ) را مسجد الاقصی می گویند. قبه الصخره (گنبد طلایی) و جامع قبلی (قبله ای) با گنبد سبزرنگ هر دو بخشی از مسجد الاقصی هستند.



از دیگر خدمات عبدالملک بن مروان ساخت مسجد جدیدی در نزدیکی صخره مقدس[1] به شکل هشت ضلعی و با قبه‌ای بسیار زیبا بود که این مسجد تا امروز با قبه‌ی مجلل و زیبای خود باقی است و یکی از زیباترین بناهای تاریخی قدس به شمار رفته و از آن بعنوان قبه الصخره یا مصلای بانوان یاد می‌شود.

زمامداری مسلمانان بر بیت المقدس ادامه داشت تا اینکه بار دیگر جنگ‌های صلیبی برای اشغال شهر قدس آغاز شد. آلبرت هیاسون مورخ متعصب صهیونیست و مسئول زمینهای اشغالی در دوره‌ی قیمومت بریتانیا در فلسطین چنین می نویسد: «سرزمین اسرائیل (فلسطین) در دوره حاکمیت عمر و خلفای پس از او در امنیت کامل بود و دولت اسلامی هیچ تبعیضی میان ساکنان آن قائل نبود. و همچنین در زمان حاکمیت معاویه که از سال ۶۳۹م تا ۶۸۰م ادامه داشت فلسطین یکی از بهترین دوره‌های خود را سپری کرده است. باید گفت این شهر دو قرن توأم با صلح و آرامش را تجربه کرده است.»

سال ۱۰۹۹م: پس از حملات گسترده‌ی صلیبی‌ها به بیت المقدس این شهر به دست صلیبی‌ها سقوط کرد. در نخستین روز از سقوط این شهر مقدس، هفتاد هزار مسلمان و یهودی قتل عام شدند، و صلیبیان با پا گذاشتن بر روی اجساد شهدای مسلمان خود را به کلیسای قیامت رساندند.

علت این شکست را می توان در دو مسئله جویا شد: ۱. اختلاف و تفرقه مسلمانان و مشغول شدن حکّام و زمامداران به نبردهای داخلی بر سر قدرت. ۲. باور نداشتن به حرمت مقدّسات اسلامی و خیانت در امانتی که به عهده حکّام و زمامداران و مردم گذاشته شده بود.

۱- صخره مقدس صخره‌ای است که گفته می‌شود پیامبر -صلی الله علیه و سلم- از روی آن به معراج رفتند.



سال ۱۱۸۷ میلادی برابر با ۵۸۳ هجری قمری: با گذشت مدتی از سیطره‌ی صلیبیان بر مسجدالاقصی و کشتار وحشیانه‌ی مسلمانان ساکن آن، بار دیگر امت اسلامی بیدار شده و جهاد با صلیبیان را آغاز کرد. قهرمانان و مجاهدانی چون عمادالدین زنگی و پسرش نورالدین محمود زنگی در مقابل سیل خروشان صلیبی‌ها استقامت و پایداری کرده آن‌ها را در جبهه‌های مختلفی شکست دادند و راه را برای فتح بیت‌المقدس هموار کردند. نورالدین محمود زنگی پس از سالها جهاد پیاپی چشم از جهان فروبست.


منبرنورالدین

نورالدین پیش از وفاتش منبری ساخته بود تا آن را در مسجدالاقصی قرار دهد، اما خود پیش از فتح بیت‌المقدس درگذشت و سرانجام صلاح‌الدین ایوبی منبر فوق را در مسجدالاقصی قرار داد و قاضی دمشق محی‌الدین بن زنگی پس از نود سال بر آن خطبه‌ی جمعه خواند.

منبر نورالدین از چوب درخت آبنوس و بدون استفاده از میخ توسط ماهرترین نجاران و هنرمندان در دمشق ساخته شد.[۲]

۲-این منبر تا سال ۱۹۶۹ میلادی در مسجدالاقصی قرار داشت اما در پی یک آتش سوزی عمدی در تاریخ ۲۱ آگست سال ۱۹۶۹ میلادی توسط یک استرالیایی به نام دنیس مایکل روهان در آتش سوخت. این آتش سوزی در حدود ۱۵۰۰ متر از مسجد گسترش یافت و به قسمتی از محراب و گنبد داخلی و برخی ستون‌ها و ۴۸ پنجره‌ی مسجد آسیب رساند و منبر نورالدین را تقریبا از بین برد.

بعدها ملک حسین پادشاه اردن دستور به بازسازی این منبر داد. بیش از چهل محقق و مهندس و صنعتگر با استفاده از تصاویر منبر اصلی و چوب گردو و آبنوس و عاج، به همان روش، منبر نورالدین را بازسازی نمودند. این منبر در فوریه سال ۲۰۰۷ در جای قبلی خود در مسجدالاقصی قرار داده شد. هم اکنون این منبر را «منبر صلاح‌الدین» می‌خوانند. منبر جدید از ۱۶۵۰۰ قطعه‌ی کوچک چوبی و بدون استفاده از میخ ساخته شده است.



با در گذشت نورالدین زنگی - رحمه الله -، صلاح الدین ایوبی پرچم جهاد علیه صلیبیان را به دست گرفت، او هسته‌ی مرکزی سپاه صلیبیان را در تل حطّین متلاشی ساخت و ستون فقرات آنرا در هم شکست و از آنجا رهسپار شهر قدس شد. او یقین داشت هیچ نیرویی در شام نمانده که به فریاد صلیبیان برسد، و راه دریائی مصر نیز بوسیله ناوگان جنگی اسلامی مصر مسدود شده بود. در چنین شرایطی صلاح الدین با سپاه بزرگ خود از راه رسیده و در برابر دورنمای حصار مرتفع و کوه پیکر این شهر مقدس پیاده شد. او پس از آن که از کار تنظیم سپاه فارغ شد نماینده‌ای را روانه‌ی شهر کرد و به صلیبیان چنین پیغام داد: «نمی‌خواهم در حریم این مکان مقدس که بیت الله الاقصی را در دل خود جای داده، دست به خونریزی بزنم و ساحت پاکیزه آنرا با خون ناپاکان بیالایم، پس چه بهتر است که شما هم با من موافق بوده و آنرا بدون جنگ به من واگذارید و در عوض هر مبلغی پول و یا هر مقدار زمین که می‌خواهید بگیرید و به سلامت پی کار خود بروید.»

صلیبی‌ها اما این پیغام را با قاطعیت رد کرده و علیه صلاح الدین اعلام جنگ کردند. بامداد روز ۱۵ رجب ۵۸۳ هجری سپاه اسلام در اطراف شهر موضع گرفت و آنرا به محاصره‌ی خود در آورد. با آغاز جنگ، حلقه‌ی محاصره بر صلیبی‌ها تنگ‌تر می‌شد تا جاییکه به ناچار تسلیم شده و هیئتی را نزد صلاح‌الدّین فرستادند و تقاضای صلح کردند. صلاح الدین این قهرمان اسلام بی قید و شرط صلح را پذیرفت و پس از امضای صلح‌نامه، عفو عمومی صادر نمود و بدون اینکه خونی از کسی ریخته شود به اتفاق همراهانش وارد شهر بیت المقدس شد و در آنجا پرچم صلیبیان و صلیب را از فراز برج به زیر کشیده، پرچم اسلام را به جای آن نصب نمود و بیت المقدس را از وجود صلیبی‌های اسلام ستیز پاک‌سازی کرد.

لازم به ذکر است در سال ۴۹۲ هـ که صلیبیان وارد این شهر مقدس شده بودند همه‌ی ساکنان مسلمان آن را از دم تیغ گذرانده و یهودیانش را نیز در آتش سوزانده بودند. بر اساس برخی روایات تاریخی آن جانیان در مسجد عمر فاروق آن قدر



کشتار کردند که موج خون تا زانوها بالا آمد، اما صلاح الدین از در انتقام جویی بر نیامد و کسی را از دم تیغ نگذراند، بلکه عفو عمومی صادر کرد و مردم را میان سکونت در این شهر و یا ترک آن مخیر گذاشت.

آری... فتح اسلامی پیش از آن که فتح سرزمین باشد، فتح دل ها بود. این را می توان در جریان مسلمان شدن رابرت سنت آلبانس، شوالیه و فرمانده صلیبی انگلیسی مشاهده کرد، او از اعضای گروه شوالیه های معبد[۳] بود که بعدها اسلام آورد و همراه با صلاح الدین ایوبی در نبرد حطین و آزادی بیت المقدس شرکت کرد.

محیط اروپای قرون وسطی به شدت تحت تاثیر تبلیغات کلیسا علیه اسلام قرار داشت. اما روبرو شدن با مسلمانان و اخلاق آنان در میدان نبرد تصورات پیشین رابرت و بسیاری دیگر از صلیبیان را نسبت به آنان تغییر داد. رعایت اخلاق آن هم در شرایط جنگ، جوانمردی و مهربانی مسلمانان و به ویژه فرمانده بزرگ مسلمان، صلاح الدین ایوبی باعث شد رابرت مسلمان شده و به اردوی وی بپیوندد. این نشان می دهد که صلیبی ها پیش از شکست در میدان نبرد از دینِ مسلمانان شکست خورده بودند.

صلاح الدین یکی از نوه های خود را به ازدواج او در آورد و فرماندهی یکی از لشکرهایش را به او سپرد. دو سال بعد وقتی صلاح الدین برای آزادی قدس لشکر کشید رابرت نیز یکی از فرماندهان این فتح بزرگ بود.

۳-سربازان مسکین مسیح و معبد سلیمان (لاتین: Pauperes commilitones Christi Templique Solomonici)، یا به اختصار شوالیه‌های معبد (همچنین شوالیه‌های هیکل، شهسواران معبد یا شهسوران پرستشگاه)، گروهی نظامی-مذهبی در تاریخ مسیحیت بود که در قرون وسطی فعالیت می کرد. این گروه در سال ۱۰۹۵ میلادی از سوی پاپ اوربان با وعده ی بخشش گناهانشان در صورت مشارکت در جنگ های صلیبی عازم قدس شده بودند و نقش بسیار زیادی در اشغال این شهر و دیگر ممالک اسلامی در شام داشتند. بر روی لباس ها و شنل های آنان نقش صلیب دوخته شده بود.



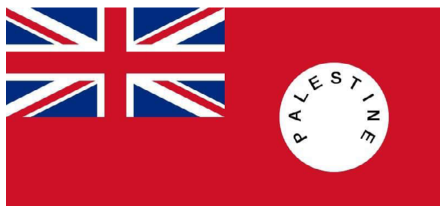
از آن سو اما مسلمان شدن یکی از فرماندهان شوالیه‌های معبد به شدت باعث خشم مسیحیان شد، به طوری که نسبت به این گروه بدبین شدند؛ حال آن که شوالیه‌های معبد یکی از تاثیر گذار ترین و قوی ترین سازمان های نظامی صلیبی در آن دوران به شمار می رفتند. خود رابرت مدتی کم پس از آزادی قدس دیده از جهان فرو بست. رحمه الله.

مستشرق انگلیسی، توماس آرنولد در کتاب دعوت به اسلام می گوید: «آنطور که به نظر می رسد اخلاق صلاح الدین و زندگی او که بر مبنای قهرمانی بنا شده بود تاثیری جادویی بر ذهن مسیحیان دوران او داشت، تا جایی که گروهی از شوالیه‌های مسیحی چنان جذب وی شده بودند که دین خود یعنی مسیحیت و قوم خود را ترک گفته به مسلمانان پیوستند. همینطور هنگامی که یکی از تکسواران انگلیسی عضو شوالیه‌های معبد به نام رابرت سنت آلبانس در سال ۱۱۸۵ مسیحیت را رها کرده اسلام آورد و سپس با یکی از نوه‌های صلاح الدین ازدواج کرد. بعد از دو سال صلاح الدین به فلسطین لشکر کشید و در حطین شکستی تحقیرآمیز را بر ارتش مسیحی تحمیل نمود. گی [الوزینیان] پادشاه بیت المقدس نیز در میان اسرا بود. شب نبرد شش تن از شوالیه‌ها پادشاه خود را ترک گفته با اراده خود به اردوی صلاح الدین رفتند و به او پیوستند».



فلسطین از عصر استعمار تا اعلام موجودیت دولت صهیونیست‌ها

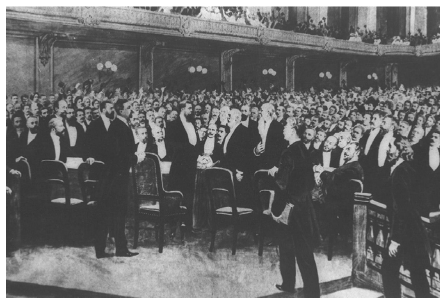
سال ۱۸۳۹م. بعد از گذشت قرنها آرامش و صلح و صفا در فلسطین، این شهر بار دیگر آماج حملات استعماری و صهیونیستی قرار گرفت، و بریتانیا از امتیازاتی که از روی صلح‌دوستی و صفای قلب سلاطین عثمانی به کشورهای دیگر داده شده بود سوءاستفاده نموده و به بهانه‌ی حمایت از یهودیان ساکن قدس برای نخستین بار در این سرزمین مقدس دفتر کنسول گری ایجاد کرد، پیر استعمار اما هدفی فراتر از یک کنسولی داشت.



پرچم فلسطین در دورهٔ قیمومت بریتانیا

سال ۱۸۸۰م: اوضاع و شرایط سیاسی اواخر قرن نوزدهم میلادی زمینه ظهور شخصیت‌های یهودی طرفدار اندیشه‌ی استعماری بازگشت به سرزمین موعود (فلسطین) و شکل گیری جنبش صهیونیستی را فراهم ساخت.

سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰م: طرفداران نهضت (عاشقان صهیون) و سپس جنبش (بیلو) مسئله بازگشت یهودیان به فلسطین را رسما مطرح کردند. دیری نپائید که تئودور هرتزل با نوشتن کتاب (دولت یهود) و گرد آوردن شخصیت‌های صهیونیستی، زمینه برگزاری کنفرانس بال را فراهم ساخت. در کنفراس بال سیاست سازمان جهانی صهیونیسم مبنی بر بازگشت یهودیان به فلسطین مطرح شد و به دنبال آن، تلاش‌های دیپلماتیک صهیونیست‌ها برای جذب حمایت و کمک‌های سیاسی و مالی سرمایه‌داران و قدرت‌های اروپایی و نیز گرفتن رضایت سلطان عبدالحمید دوم، خلیفه‌ی مقتدر عثمانی برای اعطای فلسطین به صهیونیست ها شدت گرفت.


کنفرانس بال



سال ۱۸۹۶م: هرتزل قبل از برپایی کنفرانس بال به استانبول سفر کرد و پس از بررسی اوضاع تلاش نمود زمینه ی کسب رضایت سلطان عبدالحمید را فراهم سازد.

سال ۱۸۹۷م: رهبران صهیونیستهای انگلستان از جمله اسرائیل زانگویل و هربرت ویچ وارد پایتخت عثمانی شدند و تلاشهایی در جهت جلب نظر سلطان عبدالحمید به عمل آوردند، اما همه این تلاش ها در پی مخالفت قاطعانه سلطان عبدالحمید ناکام ماند.

سال ۱۸۹۸م: تئودور هرتزل پس از دیدار با ویلهلم دوم امپراطور وقت آلمان او را متقاعد کرد که در جریان سفر به دولت عثمانی از سلطان بخواهد تا طرح صهیونیست ها برای فلسطین را بپذیرد، امپراطور آلمان نیز در جریان سفر خود این پیشنهاد را به اطلاع سلطان رساند اما سلطان بار دیگر به این تقاضا پاسخ منفی داد.

سال ۱۹۰۱م: هرتزل شخصا به پایتخت عثمانی سفر کرد و موفق به دیدار با سلطان شد، در این ملاقات پیشنهادهایی به سلطان ارائه داد اما سلطان مجددا به خواسته ی وی پاسخ منفی داد و آن را نپذیرفت. از جمله ی این پیشنهادها تسویه کردن همه ی بدهی های دولت عثمانی (پنجاه میلیون پوند) از سوی صهیونیست ها و ایجاد یک ناوگان بزرگ دریایی و دادن پنج میلیون پوند به شخص


تئودور هرتزل


ویلهلم دوم؛ امپراتور آلمان


سلطان عبدالحمید دوم؛ خلیفۀ عثمانی



سلطان عبدالحمید،دربرابراعطای فلسطین به صهیونیستها بود.
سلطان عبـدالحمیـددوم مانند کوهی استوار ایستادوبه همه‌ی پیشنهادات و درخواست‌های صهیونیستها پاسخ منفی داد.
سلطان عبدالحمیددوم درآخرین دیداری که باتئودورهرتزل داشت خطاب به او گفت:(اگرمی دانستم که شما بخاطرمسئله‌ی فلسطین به ملاقات من می آیی هرگزاجازه‌ی این ملاقات رابه تونمی دادم.ای هرتزل بدان که فلسطین بخشی از سرزمین پهناوراسلامی است وباطلاونقره فروخته نخواهدشد،ماوجب به وجب آنرابوسیله ی خون شهدابدست آورده‌ایم واگرتاقطره‌ی آخرخونمان دردفاع از قدس برزمین بریـزدازیک وجب آن کوتاهـی نخواهیـم کرد!!)این پاسخ قاطع و دندان شکن سلطان عبدالحمیدآب سردی برپیکرهرتزل بود،هرتزل ازدیداربا سلطان دست ازپادرازترباز گشت،وبه تبلیغات گسترده علیه ایشان پرداخت واورا به ظلم و استبداد و تحجّر متّهم کرد.
هرتزل از یک سو تلاش می کرد چهره‌ای زشت و کریه از سلطان عبدالحمید دوم معرفی کندوازسوی دیگرمی کوشیدنعره‌های نژادپرستی میان تورانی‌هاو عرب‌ها را تقویت کند.
ناامیدی رهبران جنبش صهیونیسم ازسلطان عثمانی سبب شدتاآنهامناطق دیگری ازجهـان مانـند:قبـرس -شبه جزیـره سینـا -عراق وبرخی کشــورهای آفریقایی را بعنوان کانون استعمار صهیونیستی مطرح کنند.

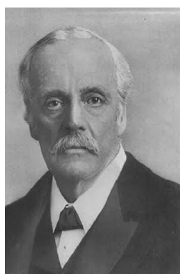




کشتی حامل مهاجران یهودی در فلسطین

سال ۱۹۰۹م: پس از کودتایی که توسط حزب اتحاد و ترقی علیه سلطان عبدالحمید به وقوع پیوست[۴] ممنوعیت مهاجرت یهـودیان و خرید زمین در فلسطین از سوی آنها برداشته شد و با سیل مهاجرت یهودیان از سراسر دنیا به فلسطین، خرید زمین و ایجاد نهادهای مستعمراتی یهودیان در آن سرزمین آغاز شد.

به دنبال لغو قانون منع مهاجرت یهودیان به فلسطین جمعیت ۲۳۰۰۰ نفری یهود به ۸۵۰۰۰ نفر افزایش یافت و با افزایش تعداد مهاجران، مستعمـره‌های بیشتری در فلسطین ساخته شد. مهاجران یهودی سنگ بنای شهر جدید تل آویو را در حومه یافا گذاشتند تا پایتخت دولتشان باشد. صهیونیستها که با مخالفتهای روزافزون مسلمانان مواجه شده بودند به بهانه‌ی دفاع از مناطق مستعمره نشین، به ایجاد گروه‌های مسلح پرداختند.



Foreign Office,
November 2nd, 1917.

Dear Lord Rothschild,

I have much pleasure in conveying to you, on behalf of His Majesty's Government, the following declaration of sympathy with Jewish Zionist aspirations which has been submitted to, and approved by, the Cabinet.

"His Majesty's Government view with favour the establishment in Palestine of a national home for the Jewish people, and will use their best endeavours to facilitate the achievement of this object, it being clearly understood that nothing shall be done which may prejudice the civil and religious rights of existing non-Jewish communities in Palestine, or the rights and political status enjoyed by Jews in any other country"

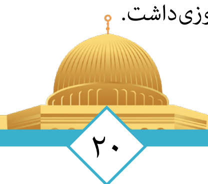
I should be grateful if you would bring this declaration to the knowledge of the Zionist Federation.

ادموند بالفور و اعلامیهٔ او

سال ۱۹۱۷م: هربـرت سموئیـــل یکی از رهبران متعصب یهودی طی یادداشتی به حکومت بریتانیـا از این کشور می‌خواهد تا دولتی یهودی زیر نظر بریتانیا در فلسطین تاسیس کند، که در این میان اعلامیه بالفور[۵]

۴- سلطان عبدالحمید دوم آخرین خلیفه و سلطان مقتدر عثمانی‌ها بود، پس از سقوط ایشان در سال ۱۹۰۹ میلادی سه نفر به ترتیب قدرت را در اختیار گرفتند: «سلطان محمد رشاد، سلطان وحید الدین، سلطان عبدالمجید دوم» که عملا بازیچه‌ی دست اتحادی‌ها بودند و هیچ قدرتی از خود نداشتند، تا اینکه در سال ۱۹۲۴ میلادی خلافت عثمانی توسط مصطفی کمال آتاترک دست نشانده صهیونیست‌ها و پرورش یافته در دامان استعمارگران «انگلیس، فرانسه، ایتالیا و روسیه» بطور رسمی الغاء شد و جمهوری ترکیه تأسیس گردید.

۵- این اعلامیه منسوب به آرتور جیمز بالفور (به انگلیسی: 1st Earl of Balfour, Arthur James Balfour) (زاده ۲۵ ژوئیه ۱۸۴۸ – درگذشته ۱۹ مارس ۱۹۳۰) سیاست‌مدار بریتانیایی است که بین سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵ نخست‌وزیر پادشاهی متحد بریتانیا بود و نقش بزرگی در تشکیل اسرائیل امروزی داشت.



صادر شد و دولت بریتانیا به یهودیان اطمینان داد که برای تأسیس دولت نژادی یهودیان در خاک فلسطین از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. بعد از گذشت یک ماه و نیم از صدور اعلامیه ی بالفور، بریتانیا ژنرال آلن بی را بعنوان فرمانده نظامی ارتش انگلستان در قدس منصوب کرد. او بعد از ورود به شهر قدس گفت: «الان جنگهای صلیبی به پایان رسیده است».

۱۹۲۰م: در کنفرانس سان ریمو بریتانیا و فرانسه سرزمین شام و عراق را میان خود تقسیم کردند، و فلسطین زیر قیمومت بریتانیا در آمد و سازمان ملل آن را به رسمیت شناخت.



کنفرانس سان ریمو

سال ۱۹۲۸-۱۹۲۰م: از آغاز قیمومت بریتانیا در فلسطین تا سال ۱۹۲۸ فلسطینی ها سیاست مقاومت مسالمت آمیز در برابر حکومت بریتانیا و صهیونیستها را در پیش گرفتند و تلاش کردند با فرستادن هیئت‌ها و درخواست‌های خود، بریتانیا را تشویق کنند تا مانع رشد صهیونیست‌ها شود؛ چرا که سیل مهاجرت یهودیان و کنترل اقتصادی صهیونیستها در فلسطین نگرانی مسلمانان را شدت بخشیده بود، اما دولت بریتانیا توجهی به این درخواست‌ها نکرد.



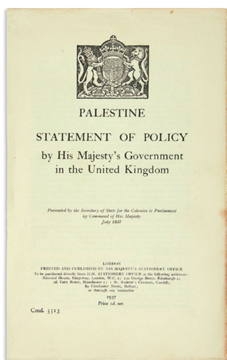
سال ۱۹۲۹م: در پاسخ به تعدی یهودیان به دیوار «براق» انقلابی رخ داد که به «انقلاب براق» مشهـور شد. در پی این خیزش، میان مسلمان‌ها و صهیونیست‌ها درگیری‌های خشونت‌باری در بیت‌المقدس در گرفت، این درگیری‌ها بتدریج به اکثر نقاط فلسطیـن کشیده شد و دولت بریتانیـا برای علت‌یابی درگیـری‌ها، کمیتـه‌ای با عضویت نماینـدگان سه حزب (محافظه کار و لیبرال و کارگر) تحت ریاست آقای والتر شاو تشکیل داد و مسئولیت بررسی رخدادهای فلسطین را به این کمیته سپرد. این کمیته در اواخر همین سال وارد فلسطین شده و پس از شنیدن دیدگاه‌های مسلمانان و یهودیان، گزارشی به لندن مخابره کرد که طی آن از دولت بریتانیا خواسته شده بود بطور شفاف موضع خود را در مورد فلسطین بیان نموده و از سیل مهاجرت یهودی‌ها به فلسطین جلوگیری کند، و مانع اخراج کشـاورزان مسلمان از زمیـن‌هایی شود که توسط یهودیان خریداری شده است.



انقلاب براق در سال ۱۹۲۹ میلادی



سال ۱۹۳۰م: دولت بریتانیا با توجه به گزارش کمیته (شاو) کتاب سفید را منتشر کرد که در آن آقای پاسفیلد وزیر امور مستعمرات بریتانیا، کلیه پیشنهادهای کمیته ی شاو را پذیرفته بود. اما حییم وایزمن[۶] رئیس سازمان جهانی صهیونیسم به نشانه اعتراض به دولت بریتانیا از ریاست این سازمان استعفا داد. با استعفای وایزمن از سازمان جهانی صهیونیسم، رمزی مکدونالد نخست وزیر وقت انگلستان به شدت از سوی صهیونسیت‌ها تحت فشار قرار گرفت و ناچارا طی نامه‌ای به وایزمن کتاب سفید را بگونه‌ای مورد تفسیر قرار داد که مطالب اساسی آن را نسخ می کرد.



PALESTINE

STATEMENT OF POLICY

by His Majesty's Government
in the United Kingdom

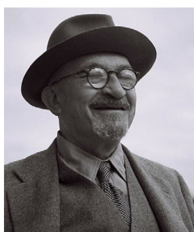
Presented by the Secretary of State for the Colonies to Parliament
by Command of His Majesty
July 1937

LONDON
PRINTED AND PUBLISHED BY HIS MAJESTY'S STATIONERY OFFICE
To be purchased directly from H.M. STATIONERY OFFICE at the following addresses:
Adastral House, Kingsway, London, W.C. 2; 120 George Street, Edinburgh 2;
26 York Street, Manchester 1; 1 St. Andrew's Crescent, Cardiff;
80 Chichester Street, Belfast;
or through any bookseller

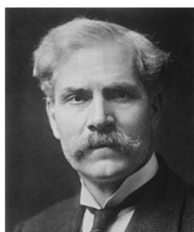
1937
Price 1*d.* net

Cmd. 5513

کتاب سفید



حاییم وایزمن



رمزی مک دونالد

سال ۱۹۳۵-۱۹۳۶م: با افزایش جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین، شیخ عزالدین قسام که در سال ۱۹۲۱م از سوریه به فلسطین مهاجرت کرده بود انقلاب اسلامی فلسطین را بنیانگذاری نموده و فلسطینیان و جهان اسلام را به قیام علیه بریتانیا و صهیونیست‌ها فرا خواند. قسام و یارانش در سال ۱۹۲۱ میلادی در حالی وارد فلسطین شدند که جهاد علیه صهیونیست‌ها و انگلیس جدا از برنامه‌های او نبود. او شاگرد رشید رضا بود، نخستین کسی که نسبت به مهاجرت یهودی‌ها و برنامه‌های آنان هشدار داده بود. قسام تصمیم گرفت خود را به کارگران و فقرا نزدیک کند زیرا بر این باور بود که آنها به خاطر سرشت پاکشان



علامه رشید رضا



عزالدین قسام

۶- حییم عزرائیل وایزمن (زاده ۲۷ نوامبر ۱۸۷۴ – در روسیه، و درگذشته ۹ نوامبر ۱۹۵۲) شیمی دان، رئیس سازمان جهانی صهیونیسم، کاشف اِستون، استاد دانشگاه و اولین رئیس‌جمهور صهیونیست‌ها بود.



و به خدمت گرفته نشدن شان توسط اشغالگران، هسته جهاد را تشکیل می دهند، بنابراین تصمیم گرفت آن ها را آموزش دهد و عقیده ی جهاد را در دل آن ها زنده نماید و از آن ها مجاهدانی ساخت که طی سال های طولانی و حتی پس از شهادت او پرچمدار جهاد در فلسطین بودند.

دیدگاه قسام نسبت به خطر صهیونیست ها برگرفته از شناخت عمیق و زود هنگامی بود که از نوشته های رشید رضا به آن دست یافته بود. او پس از تجربه ی مبارزه با فرانسوی ها به بیهوده بودن مبارزه مسالمت آمیز علیه اشغالگران معتقد بود. قسام جهاد را تنها راه حل مبارزه علیه صهیونیست ها می دانست و از فلسطینی ها می خواست قبل از اینکه یهودیان بیشتری موفق به مهاجرت و اسکان در فلسطین شوند، جهاد را آغاز کنند.


حاج امین حسینی؛ مفتی وقت فلسطین

او در آغاز طی نامه ای به حاج امین حسینی مفتی فلسطین از او خواست تا علیه بریتانیا و صهیونیست ها فتوای جهاد دهد، اما نظر حاج امین حسینی این بود که مذاکره و گفت و گو بهتر از درگیری مسلحانه است.

شیخ عزالدین قسام پس از شنیدن این پاسخ از حاج امین حسینی، خود رهبری جهاد را بر عهده گرفت و علیه صهیونیستها اعلام جهاد کرد تا این که در سال ۱۹۳۵ میلادی به درجه رفیع شهادت نائل شد.

با شهادت قسام فلسطینی ها دست به اعتصابی زدند که شش ماه بطول انجامید و پس از آن مبدل به یک خیزش مسلحانه شد که سیل مجاهدان کشورهای اسلامی را بسوی خود جذب کرد.




فرحان السعدی؛ جانشین عزالدین قسام

سال ۱۹۳۶م: پس از شهادت شیخ عزالدین قسام، رهبری قسامی‌ها را شیخ مجاهد فرحان السعدی بر عهده گرفت و پس از پنج ماه از شهادت عزالدین قسام، انقلاب ۱۹۳۶ را کلید زد که این انقلاب تا سال ۱۹۳۹ میلادی ادامه داشت اما خود او در سال ۱۹۳۷ میلادی در حالی که هشتاد سال سن داشت، به خاطر جهاد علیه انگلیسی‌ها و یهودیان اعدام شد.

پس از اعدام فرحان السعدی، قسامی‌ها این راه را ادامه دادند و در هر بخشی از فلسطین و به ویژه در شمال این کشور، رهبران قسامی، جهاد علیه اشغالگران را مدیریت می کردند. در سال ۱۹۳۷ میلادی یکی از مجاهدان فلسطینی به نام احمد التوبه، سر لویس اندروز، حاکم انگلیسی منطقه‌ی «الخلیل» را قتل رساند. در پی این حادثه دولت بریتانیا حاج امین حسینی را از ریاست مجلس اسلامی عزل نموده و تصمیم گرفت که او را بازداشت کند، اما حاج امین حسینی به یافا متواری شد و از آنجا مبارزات خود علیه بریتانیایی‌ها را ادامه داد.


از راست: احمد التوبه و نایف المصلح

دولت بریتانیا که با وجود در اختیار داشتن بزرگ‌ترین نیروی نظامی جهان از مقابله با این حرکت بزرگ جهادی ناتوان مانده بود برای برقراری آتش بس به کشورهای عربی متوسل شد.



سال ۱۹۳۷م: پس از مداخله‌ی سران کشورهای عربی و اعلام آتش بس، بریتانیا پیشنهاد تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی را مطرح کرد که این پیشنهاد از سوی مسلمانان فلسطین رد شد.

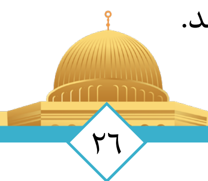
سال ۱۹۴۲م: آمریکا که تا آن زمان در انزوا بود تصمیم گرفت بر مسند استعمارگران کهن یعنی بریتانیا و فرانسه و ایتالیا تکیه بزند، لذا وارد کارزار شد و با کمک صهیونیستها کنفرانسی موسوم به «کنفرانس بلتیمور» در آمریکا تشکیل داد. مهمترین اصل این کنفرانس، ترویج اندیشه (توسعه میهن ملی یهودیان) و تاکید بر ضرورت تاسیس یک کشور یهودی در فلسطین بود.


کنفرانس بلتیمور

سال ۱۹۴۵م: هاری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا طی سخنانی رسما از صهیونیست‌ها حمایت کرده و خواستار اعمال فشار بر حکومت بریتانیا برای تن دادن به موافقت با تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین شد.

سال ۱۹۴۶م: سخنان ترومن با خشم کشورهای اسلامی و عربی روبرو شد، آن‌ها در پاسخ به ترومن کنفرانس بلودان را تشکیل دادند. بریتانیا نیز در برابر واکنش کشورهای اسلامی خواستار نشست همه جانبه‌ی اعراب و یهودیان شد که وزرای خارجه کشورهای عربی این نشست را تحریم کرده و اعلام کردند آمریکا صلاحیت تصمیم گیری در مورد فلسطین را ندارد. با این حال بریتانیا پیشنهاد موریسون را مبنی بر تقسیم فلسطین به چهار منطقه اداری: یهودی نشین، مسلمان نشین، النقب و قدس را مطرح کرد که باز از سوی کشورهای عربی مردود شد.


شرکت کنندگان در کنفرانس بلودان



فلسطین ؛ پس از اعلام موجودیت دولت صهیونیست‌ها

سال ۱۹۴۷م: طرح تقسیم فلسطین به سازمان ملل متحد واگذار شد و این سازمان با تقسیم فلسطین به دو منطقه‌ی یهودی نشین و مسلمان نشین موافقت کرد و قرار شد شهر قدس زیر نظر سازمان ملل متحد اداره شود.

سال ۱۹۴۸م: تقسیم فلسطین توسط سازمان ملل متحد که با فشار صهیونیستها انجام شده بود شوکی بر مسلمانان فلسطین وارد کرد که منجر به انتفاضه جدیدی شد. اما ناگهان و بدون هیچ مقدمه‌ای دولت بریتانیا اعلام کرد که مسئله قیمومت فلسطیـن به پایـان رسیده و نیروهای نظامی خود را از فلسطین خارج می کند.

این اتفاق درست در زمانی افتاد که کشورهای استعماری اروپا از اعلام موجودیت دولت اسرائیلی که راه تشکیل آن را هموار کرده بودند مطمئن شده بودند. در نیمه شب ۱۹۴۸/۵/۱۵ م کمیسر عالی انگلستان سرزمین فلسطین را ترک کرد، و داوید بن گوریون[۷] موجودیت دولت اسرائیل را اعلام کرد. این اعلام با استقبال دولت‌های آمریکا، بریتانیا، روسیه و سایر کشورهای اروپایی روبرو شد و این کشورها دولتی بنام اسرائیل را به‌رسمیت شناختند.

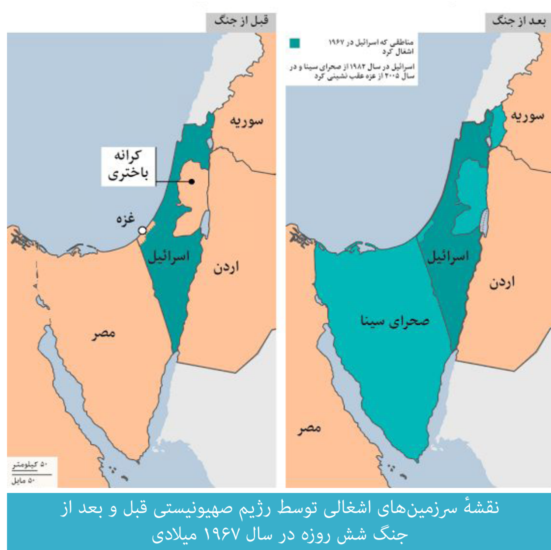


بن گوریون «با موهای سفید» در حال امضای متن قیام دولت اسرائیل، لحظاتی قبل از اعلام رسمی آن.

۷- داوید بن گوریون (زاده ۱۶ اکتبر ۱۸۸۶ در لهستان - درگذشته ۱ دسامبر ۱۹۷۳) بنیان گذار اصلی و اولین نخست وزیر اسرائیل بود. او از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ در این سمت بود. او هم چنین رهبریت برجسته جامعه یهودیان مقیم فلسطین تحت قیمومت انگلستان را بر عهده داشت.



سال ۱۹۶۷م: کشورهای عربی مصر، اردن، سوریه و عراق تصمیم گرفتند با رژیم صهیونیستی وارد جنگ شوند، اما از آن جایی که صهیونیستها از نیت این کشورها آگاه شده بودند در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ بطور ناگهانی به پایگاه‌های نظامی مصر حمله کردند، آن‌ها طی ۶ روز موفق شدند غزه، صحرای سینا، شرق قدس و بخش‌هایی از کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان را از کنتـــرل کشورهای عربی خارج کنند. در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ صهیـــونیست‌ها آخریـــن حملات به بلندی‌های جولان را تکمیل نموده بودند. سرانجام قرارداد آتش‌بسی به پیشنهاد کشورهای عربی در روز بعـد از آن یعنی ۱۱ ژوئن به امضـاء رسیـد. به این ترتیب رژیـــم اشغالگـــر صهیونیستی صحرای سینا، بخش‌هایی از کرانه باختری رود اردن (شـامـل قـدس شـرقـی) را تصـرّف کـرد. در مجمـوع بـا پیـروزی‌های به دست آمده و سرزمیـن‌های تازه اشغـــال شده مساحت اسرائیل ۳ برابر شد.



نقشهٔ سرزمین‌های اشغالی توسط رژیم صهیونیستی قبل و بعد از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ میلادی

در پی این جنگ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۲۴۲ را تصویب کرد که به موجب آن از همه‌ی دولت‌های درگیر خواسته شد تا از ادعاهای خود نسبت به سرزمین و حق حاکمیت یکدیگر صرف نظر کنند و مرزها را به رسمیت بشناسند و اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده طی این جنگ عقب‌نشینی کند.

رژیم اشغالگر صهیونیستی اما تاکنون به استثنای غزه و همچنین صحرای سینا که در پی توافق کمپ دیوید و با به رسمیت شناخته شدن این رژیم از سوی انور سادات رئیس جمهور وقت مصر در سال ۱۹۷۸ به این کشور پس داد از دیگر سرزمینهایی که حتی از دیدگاه سازمان ملل متحد و کشورهای غربی اشغالی محسوب می شوند عقب نشینی نکرده و بلکه شهرک های زیادی در این زمین ها ساخته است و روز به روز به تعداد این شهرکهای صهیونیست نشین می افزاید.


از راست:مناخم بیگن «نخست وزیر اسرائیل»، جیمی کارتر «رئیس جمهور آمریکا»، انور سادات «رئیس جمهور مصر» در حال امضای توافق‌نامه کمپ دیوید

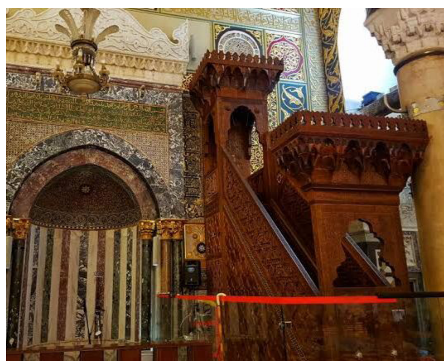
سال ۱۹۶۹م: یک مسیحی تندرو استرالیایی مسجد جامع قِبلی (قبله‌ای) واقع درمسجد الاقصی را به آتش کشید.

دنیس مایکل روهان که برای همین هدف از استرالیا به بیت المقدس سفر کرده بود انگیزه ی خود را اجرای آنچه در سفر زکریا آمده و زمینه‌سازی برای تاسیس معبد یهودیان و در ثانی ظهور مسیح عنوان کرده بود.

این آتش سوزی در حدود ۱۵۰۰ متر از مسجد گسترش یافت و به قسمتی از محراب و گنبد داخلی و برخی ستون ها و ۴۸ پنجره ی مسجد آسیب رساند و منبر نورالدین را تقریبا از بین برد.


آتش سوزی مسجد الاقصی

بعدها ملک حسین پادشاه اردن دستور به بازسازی این منبر داد. بیش از چهل محقق و مهندس و صنعتگر با استفاده از تصاویر منبر اصلی و چوب گردو و آبنوس و عاج، به همان روش، منبر نورالدین را بازسازی نمودند. این منبر در فوریه‌ی سال ۲۰۰۷ در جای قبلی خود در مسجدالاقصی قرار داده شد. هم اکنون این منبر را «منبر صلاح الدین» می‌خوانند. منبر جدید از ۱۶۵۰۰ قطعه‌ی کوچک چوبی و بدون استفاده از میخ ساخته شده است.


منبر نورالدین پس از بازسازی توسط ملک حسین پادشاه اردن

روهان دستگیر و در یک دادگاه صهیونیستی محاکمه شد، اما به دلیل آنچه عدم سلامت عقلی خوانده شده در یک بیمارستان روانی بستری و سپس به استرالیا بازگردانده شد.

آتش سوزی مسجد الاقصی با خشم مسلمانان روبرو شد و در واکنش به این حادثه، سازمان کنفرانس اسلامی به پیشنهاد ملک فیصل بن عبدالعزیز پادشاه فقید عربستان سعودی تاسیس گردید. سازمان مقر خود را شهر اشغال شده‌ی قدس تعیین کرد و مقرر نمود تا زمان آزادی این شهر، جده مقر موقت این سازمان باشد. این سازمان بعدها به سازمان همکاری اسلامی تغییر نام یافت.


ملک فیصل بن عبدالعزیز؛ پادشاه عربستان سعودی از سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵م



قضیه‌ی آوارگان فلسطینی

از زمان اعلام موجـودیت رژیم اشغالگر صهیونیستـی، فلسطیـن با دو موج گسترده مهاجرت اجباری شهروندانش روبرو بوده است؛ نخستین آن باز می گردد به سال ۱۹۴۸ م به هنگام اعلام موجودیت دولت صهیونیست‌ها و موج دوم این مهاجرت‌ها باز می گردد به جنگ شش روزه‌ی عرب‌ها. بیشتر این مهاجرت‌ها بسوی کشورهایی مانند اردن، سوریه، و لبنان و نیز به سوی کرانه‌ی باختری رود اردن و نوار غزه بوده است. سازمان ملل متحد برای کمک به آوارگان فلسطینی آژانسی به نام «اونرا» تأسیس کرد که هدف آن کمک به آوارگان سال ۱۹۴۸ میلادی است. بر اساس گزارش اونرا تعداد این آوارگان از ۷۱۱ هزار نفر در سال ۱۹۵۰ میلادی به ۵ میلیون و ۱۴۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۵ میلادی افزایش یافته است.




فلسطینیان در حال ترک اجباری خانه و کاشانه‌های خود

تعداد اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در اردن «۱۴ اردوگاه»، و در لبنان «۱۵ اردوگاه» و در سوریه «۱۱ اردوگاه» است.

امافلسطینی‌هادراین کشورهانیز معمولااز شرایط مناسبی برخوردار نیستند.

لبنان: آوارگانی که در لبنان حضور دارند شرایطی بدتر از دیگر فلسطینی‌ها دارند. آنان از حقوقِ اساسی بسیاری محرومند و حکومت لبنان با قضیه پناهندگان فلسطینی برخوردی امنیتی دارد. فضای طائفه‌ای لبنان در این برخورد بی تقصیر نیست. لبنان از سه اقلیت بزرگ سنی، شیعه و مارونی نصرانی تشکیل شده است و به همین خاطر حضور آنان با مخالفت و بدبینی دیگر طوایف به ویژه مارونی‌ها روبه‌رو شده است. از سوی دیگر فلسطینی‌های لبنان هدف کشتار منظم مارونی‌های مسیحی بوده‌اند که نمونه‌ی آن کشتار تل زعتر است. جنگ داخلی لبنان نیز برای آنان فاجعه‌بار بود.

اردن: وضعیت فلسطینی‌های اردن به نسبت دیگر آوارگان فلسطینی بهتر است و بیشتر آنان دارای شهروندی این کشور و از حقوق کامل برخوردارند.

سوریه: علی رغم چند دهه حضور فلسطینی‌ها در سوریه آنان از شهروندی این کشور برخوردار نیستند اما وضعیت آنان ـ تا پیش از انقلاب و جنگ داخلی سوریه ـ بهتر از لبنان بود و از حق کار و حتی رای در این کشور برخوردار بودند. اردوگاه یرموک بزرگترین اردوگاه فلسطینی‌ها در سوریه است که پس از جنگ داخلی به شدت آسیب دیده است.

بااینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱۹۴ خود حق بازگشت آوارگان فلسطینی را به رسمیت شناخته اما رژیم اشغالگر صهیونیستی همواره مانع بازگشت فلسطینی‌ها شده و در مقابل، شهرک سازی‌های خود را برای جذب هر چه بیشتر یهودیان از سراسر جهان افزایش داده است.



نتیجه‌ی بحث

علاوه بر آنچه در این مختصر پیرامون بی پایه بودن ادعاهای تاریخی یهودیان مبنی بر ساکنان اصلی بودن فلسطین اشاره شد و این که فلسطین سرزمین پیامبران الهی بوده است، برخی از محققان سرشناس یهود مانند ماکسیم رودنسون یهودیان را فاقد حق تاریخی در فلسطین می‌دانند، او می گوید: «مردم فلسطین به تمامی معنی از نظر بومی همان فلسطینی‌های قدیم و فرزندان کنعانیان و سایر قبایل اولیه ی فلسطین هستند». جالب اینکه حامیان اروپایی جنبش صهیونیسم خود به این مسئله واقف بودند که یهودیان حق تاریخی نسبت به فلسطین ندارند. در سال ۱۹۲۰ در جریان گفت و گوهایی که در مجلس لردهای انگلستان پیرامون قیمومت فلسطین و اعلامیّه بلفور انجام شد و اختلافات شدیدی که میان نمایندگان این مجلس شکل گرفت، لرد سیدنهام اظهار داشت: «فلسطین سرزمین یهودیان نیست بلکه یهودیان پس از کشتاری وحشیانه آن را از کنعانیان گرفته‌اند، اگر بنا باشد آن‌ها در فلسطین حق تاریخی داشته باشند رومی‌ها می توانند خود را مالک انگلستان بدانند.»

موشه منوهین یهودی، از منتقدان جنبش صهیونیسم منکر حق تاریخی یهودیان در فلسطین بوده و معتقد است که ساکنان اصلی فلسطین اعرابی بودند که از چهار هزار سال قبل، این سرزمین را در تصرّف خود داشته‌اند، اما آن‌ها هم اکنون در اردوگاه‌های آوارگان زندگی می کنند.



مسلمانان و پیروزی نهائی در بیت المقدس

با گذشت بیش از هفتـــاد سال از آن روزی که موجودیّت دولت غاصب اسرائیل توسط بن گوریون اعلام، و توسط استعمـــار گران شرق و غرب به رسمیت شناخته شد، مردم مسلمان فلسطیـــن از روزهای نخستیـــن اشغال سرزمینشان ساکت ننشسته و به جهاد خود علیه اشغالگران صهیـونیست ادامه داده‌اند و جان و مال خود را برای دفاع از بیت المقـدس وقف کرده‌اند. ما هر ساله شاهـد انتفاضـه‌ها و خیزش‌های پرشور و مبارکی هستیم که راحتی و خواب و آرامش را از اشغالگران و زمامداران کشورهای استعماری گرفته است. ملت فلسطین با تقدیم شهدایی که با خون خود درخت جهاد را آبیاری می کنند از این سرزمین مقدس دفاع می کنند. همه‌ی قدرت‌های جهان بایستی بدانند که انتفاضه‌ی اخیر مجاهدان فلسطین که امروزه به اوج خود رسیده، نقطه امیدی است برای تحقق وعده الهی در رابطه با پیروزی نهایی مسلمانان و محو شدن یهودیان از صفحه‌ی تاریخ. امیدبخش ما در این مرحله‌ی حسّاس انتفاضه مبارک آیه‌ای است که خداوند در آن می فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰) یوسف

«تا آنگاه که پیامبران (از قومشان) ناامید شدند، و (مردم) پنداشتند که به آنها دروغ گفته شده است، (در این هنگام) یاری ما به سراغشان آمد، پس هر کس را که خواستیم نجات یافت، وعذاب ما از قوم گنهکار باز نخواهد گشت.»

چه کسی تصور می کرد که نظام مارکسیستی که قریب به یک قرن ابرقدرت جهان بود و اندیشه‌های انحرافی میان جامعه ترویج می داد فروپاشیده شده و از صفحه‌ی تاریخ محو گردد؟ همه متلاشی شده و از بین رفتند و به زباله دان تاریخ سپرده شدند. ان شاءالله نظام سرمایه داری آمریکا با تمام قدرتش سرنوشتی بهتر از نظام



مارکسیستی نخواهد داشت. و این ابر قدرت جهان که عرصه دنیا را برای خود خالی دیده و یکّه تاز میدان شده است با نوچه‌های دست پرورده‌اش (صهیونیست ها) فرو پاشیــــده و برای ابداز صفحـــه تاریخ گم خواهنـــد شد. خداونـــد می فرماید:

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤﴾
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ
وَعْدًا مَفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ
نَفِيرًا ﴿٦﴾ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾ الإسراء

در کتاب تورات به بنی اسرائیل اعلان کردیم که دوبار در سرزمین فلسطین تباهی می‌ورزید و برتری جویی بزرگ می کنید. هنگامی که وعده نخستین آن دو فرا رسد بندگان پیکارجو و توانای خود را بر شما برانگیزیم که خانه ها را تفتیش و جاها را جستجو می کنند، این وعده انجام پذیر است. سپس شما را بر آنان چیره می گردانیم و با اموال و فرزندان مدد و یاریتان می‌دهیم و تعداد نفراتتان را زیاد می کنیم. اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید به خود بدی کرده‌اید و هنگامی که وعده دوم فرا می‌رسد تا شما را بد حال سازند و داخل مسجد گردند همانگونه که دفعه اول بدان داخل شدند و آنچه را زیر سلطه ی خود یابند؛ یکسره نابود گردانند ..

خداوند در این آیات چنین می گوید: در کتاب تورات به یهود اعلام کرده‌ایم که شما دوبار دست به فساد و تباهی و سرکشی خواهید زد که هر دوبار توسط بندگان خدا که دارای نیروی عظیمی هستند نابود خواهید شد.



فساد اول یهودیان: عبرانی ها پس از اتحاد با یکدیگر، دولتی تشکیل داده و به شوکت و قدرت رسیدند، این شوکت و عظمت در دوره‌ی زمامداری سیدنا سلیمان ﷺ به اوج خود رسید، بعد از درگذشت سلیمان ﷺ بنی اسرائیل رو به طغیان و سرکشی آوردند که در نتیجه‌ی آن، خداوند بخت النصر کلدانی پادشاه بابل را بر آنها مسلط ساخت و مملکت آنها را از بین برد. بخت النصر پس از اشغال قدس، مسجد الاقصی را به آتش کشید؛ و همه‌ی یهودیان را به اسارت گرفته و با خود به بابل برد.

فساد دوم یهود: اگر نگاهی به پرتوکل های دانشوران صهیون داشته باشیم درمی‌یابیم که صهیونیست‌ها ادّعای حاکمیت جهانی را دارند و می‌خواهند دولت بزرگی تشکیل دهند که تمام خاورمیانه را دربر بگیرد، دولتی که بیت المقدس پایتخت آن باشد، و اینجاست که این فرموده‌ی الهی تحقق می‌یابد:

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝٦﴾ الإسراء

یعنی: بعد از این که فساد کردید و توسط بندگان خدا (بختنصر) شکست خوردید و از سرزمین فلسطین رانده شدید دوباره زمان شما خواهد رسید و در آنجا صاحب قدرت و دولت می‌شوید که اگر دوباره فساد کردید نابود خواهید شد.

آری.. آن ها دوباره بازگشته اند.!! دولت یهودیان در سال ۱۹۴۸م اعلام موجودیّت کرده و از آن روز دروازه‌های فلسطین اشغالی به روی مهاجرت بی‌قید و شرط یهودیان سراسر جهان باز شده است تا طبق وعده‌ی الهی در قرآن تعدادشان زیاد شود.

تعداد یهودیان در فلسطین اشغالی روز به روز در حال افزایش است، و از لحاظ مالی، یهودیان بزرگترین سرمایه داران دنیا بوده و قدرتمندترین کمپانی‌های دنیا و مراکز مهم و حسّاس اقتصادی بسیاری از کشورها را در قبضه‌ی خود دارند، و از سوی کشورهای استعماری: آمریکا، روسیه، فرانسه، بریتانیا... مورد حمایت قرار می گیرند، و از پیشرفته ترین سلاح های دنیا برخوردار بوده و ظلم و ستم



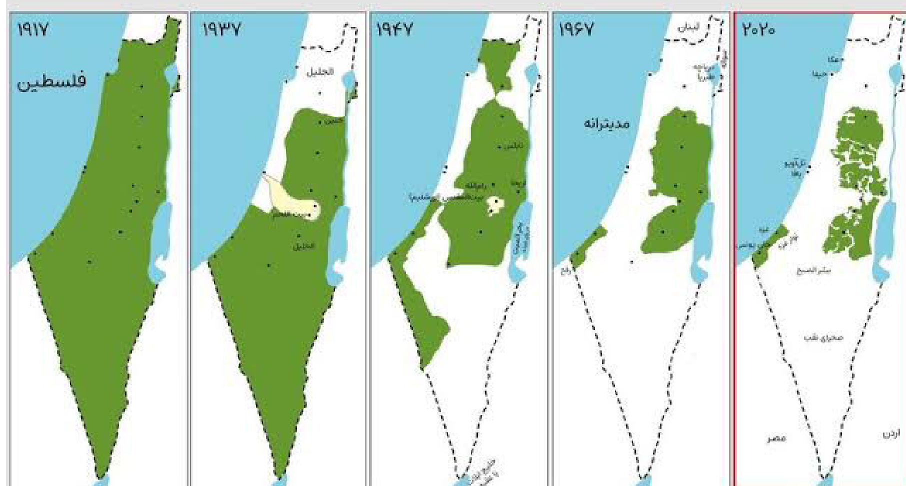
وتباهی و طغیان را به اوج رسانده‌اند. امروزه بیشترین جنایتها در دنیا توسط آن‌ها صورت می گیرد.
اما به توفیق خداوند روزی که همه یهودیان از سراسر دنیا جمع شدند، روز نابودی آنها خواهد بود، انتفاضه بزرگ و جهاد ملت فلسطین سرآغاز این داستان است. با توجه به بیداری و آگاهی به وجود آمده در میان مسلمانان، آن‌ها با هم متحد خواهند شد و با یهودیان مبارزه می کنند، آن گونه که پیامبرمان ﷺ فرمودند:
تُقَاتِلُكُمُ الْيَهُودُ فَتُسَلَّطُونَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يَقُولُ الْحَجَرُ يَا مُسْلِمُ هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَائِي فَاقْتُلْهُ
(روایت امام بخاری)
یهود با شما خواهد جنگید و شما بر آنها مسلط خواهید شد . تا آنجایی که یهودیان خود را پشت سنگ پنهان می کنند و سنگ به صدا در آمده و می گوید ای مسلمان؛ پشت من یک یهودی (مخفی شده) است بیا و او را بکش.
بدانیم که وعده‌ی خدا حقّ است و بی تردید بوقوع می پیوندد. برای بار دوم و آخر و پس از فسادهای گسترده و بی‌شمار یهودیان، شوکت آن‌ها توسط دولتی که پویندگان راه رسول الله ﷺ و خلفای راشدین -رضی الله عنهم- و بزرگان دین تشکیل می دهند از بین خواهد رفت و فلسطین به زیر پرچم اسلام در می آید و نام یهودیان برای آخرین بار از صفحات تاریخ محو می شود و پرچم اسلام بر فراز مسجد الاقصی به اهتزاز درخواهد آمد.
امید که زنده باشیم و فروپاشی دولت غاصب صیهونسیتی و نابودی آن را مشاهده کنیم.
تمّ بحمد الله

بلغان-شوال ۱۴۴۲ هـ ق
ابو احمد محمدحسین محمدی



آلبوم تصاویر

نقشه‌ی اشغال فلسطین طی سال‌های مختلف



سرزمین‌های فلسطینی

مناطق اشغال شده

یک تصویر رنگی شده از قدس در دوران حکومت عثمانی مربوط به قرن نوزدهم
(حدود ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۰ میلادی)



شهر قدیمی قدس، شهری است واقع در مرکز شهر کنونی قدس که توسط دیوارهایی احاطه شده است. این شهر مساحتی حدود ۱ کیلومتر مربع دارد. این منطقه که بخشی از میراث جهانی یونسکو است تا پیش از اشغال قدس توسط انگلستان در حاکمیت عثمانی قرار داشت و تا سال ۱۹۶۷ میلادی تحت حاکمیت اردن بود.

با شکست سال ۱۹۶۷ کشورهای عربی، این بخش نیز به اشغال رژیم یهودی در آمد و هم اکنون به عنوان یک منطقه‌ی اشغالی شناخته می‌شود.

تا دهه شصت قرن ۱۹ میلادی شهر قدس تنها به همین منطقه محدود میشد. مسجد الاقصی، دیوار بُراق و کلیسای قیامت در این منطقه واقع شده است.



این دیوارها شهر قدیمی قدس را در بر می گیرد و خلال سال‌های ۱۵۳۵ تا ۱۵۳۸ میلادی به دستـــور سلطان سلیمان اول ساخته شده است. در این دوران قدس تحت حاکمیت حکومت عثمانی قرار داشت.

طول این دیوار ۴۰۱۸ متر است و متوسط ارتفاع آن به ۱۲ متر می رسد. ضخامت دیـوار شهـــر قدیمـی قدس ۲ و نیم متـر است و بر روی آن ۳۴ برج دیـــده‌بانی و ۸ دروازه قرار گرفته است.

در سال ۱۹۸۱ میلادی، دیوارهای شهر قدیمی قدس همراه با این شهر به فهرست میراث جهانی یونسکو افزوده شد.



تصویری مربوط به سربازان عثمانی حافظ مسجد الاقصی





THE LAST CRUSADE.

Cœur-de-Lion (looking down on the Holy City). "MY DREAM COMES TRUE!"

تصویر منتشر شده در یک روزنامه‌ی انگلیسی پس از اشغال قدس توسط بریتانیا. در این طرح، ریچارد شیردل پادشاه انگلستان به تصویر کشیده شده. ریچارد شیردل در سومین جنگ صلیبی از صلاح الدین ایوبی شکست خورد و نتوانست قدس را به اشغال در بیاورد.

در زیر تصویر نوشته شده است: آخرین جنگ صلیبی، و در زیر آن از قول ریچارد شیردل نوشته شده: رویای من سرانجام محقق شد!





تصویری کمیاب از اتوبوسی متعلق به شرکتی تحت نام «الفلاح» که مسافران خود را از کویت تا جنین در فلسطین اشغالی می‌رساند! بر روی اتوبوس نوشته شده: کویت، بغداد (عراق)، عمان (اردن)، بیروت (لبنان)، قدس، رام‌الله، نابلس و جنین (فلسطین).

آنچه در پی دولت‌های «ملی» و مرزها حاصل شد، صرفا جدایی بود. امروزه سفر از برخی از این کشورها به کشوری دیگر تقریبا غیر ممکن یا بسیار سخت است، به طوری که یک عراقی عرب می‌تواند به آلمان پناهنده شود، اما شاید هرگز نتواند وارد کشور همسایه‌ی عربی کویت شود!





تصویری از انقلاب براق در سال ۱۹۲۹ میلادی



ژنرال آلن بی فرماندەی نیروهای انگلیسی در حال ورود به قدس



ژنرال آلن بی سوار بر اسب در قدس





تصویری از مهاجرت اجباری فلسطنیان پس از اشغال خاکشان توسط یهودیان

فهرست مراجع و مصادر

۱ـ قرآن کریم
۲ـ صحیح مسلم بشرح امام نووی.
۳ـ تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر.
۴ـ الجامع لأحکام القرآن. القرطبی.
۵ـ البدایة والنهایة. ابن کثیر.
۶ـ تاریخ الرّسل والملوک. القرطبی.
۷ـ حاضر العالم الاسلامی. د. جمیل عبدالله المصری.
۸ـ شیخین ابوبکر و عمر . سیّد عبد الرّحیم خطیب.
۹ـ سیمای فاروق اعظم. ملّا عبد الله احمدیان.
۱۰ـ ریشه های بحران در خاور میانه د. حمید احمدی.
۱۱- وب‌سایت آژانس اونرا https://www.unrwa.org/ar
۱۲- دعوت به اسلام-توماس آرنولد
۱۳- رموز اصلاح معاصر- اسامه شحاده

